**مروری بر وقایع پیرامون سخنرانی امام در عصر عاشورای 1342**

محرم 1383 قمری/ 1342 شمسی اندك اندك از راه می‏رسید و ایران اسلامی در شرایطی ویژه و خاص، خود را برای استقبال از ماه خون و شرف آماده می‏كرد. محرم سال 1342 شمسی، حال و هوایی عاشورایی داشت. آقا سید روح ‏الله كه از ددمنشی و وطن‏ فروشی حاكمان آلت دست بیگانه ملول بود، سر به جیب تفكر فرو برده و با نگرانی تحولات ایران و جهان اسلام را مرور می‏كرد، نفوذ خزنده صهیونیسم در ایران اسلامی و جسارت آنان به ساحت قدس شریف و مسلمین، مداخله بی‏محابای آمریكا در امور ایران، سرسپردگی رژیم به بیگانگان و مقابله آن با مردم ایران، خدشه‏دار شدن استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و دهها مشكل دیگر فكر و ذهن زعیم نهضت اسلامی را به خود مشغول كرده بود. از ابتدای دهه 40 شمسی امپریالیسم آمریكا و صهیونیست‏های غاصب به عوامل داخلی خود امر كرده بودند تا با انجام بعضی تغییرات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به بهانه مبارزه با كمونیسم، موجبات بسط سلطه آنها را فراهم كند. لایحه انجمن‏های ایالتی و ولایتی و اصلاحات ارضی اقداماتی بود كه به همین منظور شكل گرفت.

مقاومت جانانه مردم و علما به رهبری امام خمینی با دسیسه‌های دشمن و عوامل داخلی آنها، آنان را كه می‏پنداشتند می‏توانند به راحتی به اهداف خود برسند با مانع سختی مواجه كرد.

مرجعیت شیعه یك بار دیگر در مقابل امتحانی سخت به منظور دفاع از كیان اسلام، تشیع و استقلال ایران قرار گرفته بود و می‏بایست همچون گذشته به وظیفه خود عمل كند. مخالفت قاطع امام خمینی و علما با لایحه انجمن‏های ایالتی و ولایتی و اصلاحات ارضی ضربه سختی بر پیكر امپریالیسم و رژیم پهلوی وارد آورد و آنان را به فكر چاره انداخت. دشمن مصمم بود كه برنامه‌های خود را محقق سازد و در این راه بزرگترین مانع را روحانیت آگاه شیعه و مردم غیرتمند ایران می‏دانست.

با نزدیك شدن نوروز 1342، امام خمینی اعلام داشتند كه ملت ایران به دلیل صدماتی كه از ناحیه آمریكا، اسرائیل و رژیم پهلوی بر استقلال آن وارد شده است، عید نداشته و عزاداری خواهد كرد. عكس‏العمل رژیم شاه، حمله به فیضیه قم و طالبیه تبریز بود كه تلفات زیادی بر جا گذاشت. حركت ددمنشانه دشمن نشان داد كه آنان حاضرند ملت خود را مقابل پای بیگانگان قربانی كنند. اعضای "گروه بی پدران" كه مسئولیت حمله به فیضیه را به عهده داشت، با مجبور كردن طلاب به دادن شعار مرگ بر اسلام، نیات واقعی شاه و اتباع او را آشكار ساخت. رژیم گمان می‏كرد كه با ددمنشیه‏ای كه عوامل او در قم و تبریز از خود نشان داده بودند، دیگر كسی جرات مخالفت با دستگاه دیكتاتوری پهلوی و بیگانگان حامی او را نخواهد داشت، اما همان شب قائد نهضت لب به سخن گشود و فرمود:

"... ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور كنید. شما پیرو پیشوایانی هستید كه در برابر مصایب و فجایع صبر و استقامت كردند... پیشوایان بزرگ ما حوادثی چون روز عاشورا و شب پانزدهم محرم را پشت سر گذاشته‏‌اند و در راه دین خدا یك چنان مصایبی را تحمل كردند. شما امروز چه می‏گویید. از چه می‏ترسید؟ برای چه مضطربید؟ عیب است برای كسانی كه ادعای پیروی از حضرت امیر(ع) و امام حسین(ع) را دارند در برابر این نوع اعمال رسوا و فضاحت‏ آمیز دستگاه حاكمه، خود را ببازند... دستگاه جبار با دست زدن به این فاجعه، شكست و نابودی خود را حتمی ساخت، ما پیروز شدیم... .‌"

این سخنان، روح تازه‏ای در كالبد مبارزان دمید. رهبری نهضت در پی این سخنان با صدور اعلامیه كوبنده‌‏ای مشروعیت رژیم پهلوی را به دلیل جنایت علیه مردم و اسلام زیر سؤال برد.

شاه ‏دوستی یعنی غارتگری، هتك اسلام، تجاوز به حقوق مسلمانان و تجاوز به مراكز علم و دانش شاه ‏دوستی یعنی ضربه زدن به پیكر قرآن و اسلام... . حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است، قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب "ولو بلغ ما بلغ".

در پی این فتوا، تمام گروه‌های اجتماعی به حركت درآمدند. علمای بلاد، دانشگاهیان و عشایر به دفاع از امام پرداختند. ائمه جماعت برخی شهرها دست به اعتصاب زدند و از شركت در نماز جماعت خودداری كردند. بازاریان با بستن مغازه‏های خود به خیل معترضان پیوستند. در مقابل اعتراضات گسترده علیه رژیم، شاه كه ماموریت اضمحلال ایران را به عهده داشت، اعلام كرد كه برای رسیدن به مقصود خود حاضر است انقلاب سفید خود را با خون مردم مظلوم ایران رنگین سازد.

با نزدیك شدن ماه محرم رژیم شاه كه به تاثیر عزاداری سیدالشهداء بر مردم انقلابی ایران واقف بود، به احضار و تهدید گسترده علما و مردم مبادرت كرد و تاكید نمود كه از طرح مباحث روز و مسائل سیاسی در منابر و مجالس خودداری شود، از آیت‏الله خمینی و واقعه فیضیه بحث نشود، از لوایح ششگانه انتقادی نشود، علیه شخص اول مملكت و اسرائیل سخنی گفته نشود و از خطراتی كه اسلام آنها را تهدید می‏كند، بحث نكنند. امام خمینی كه با شورآفرینی و پیام رهایی‏بخش عاشورا، به خوبی آشنا و خود تربیت یافته مكتب شهادت بود، ماه محرم را بهترین فرصت برای افشای دشمن و دفاع از كیان اسلام تشخیص داد و طی اطلاعیه‏ای خطاب به عموم مبلغان و خطبا و هیئت‏های عزاداری اعلام كرد: به تذكرات ضد دینی رژیم وقعی ننهاده و... خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذكر دهید. در نوحه خوانی و سینه‏ زنی از مصیبت‏های وارده بر اسلام و مراكز فقه و دیانت و انصار شریعت یادآور شوید... دین خدا را یاری كنید... از اخافه و ارعاب سازمان‌ها و دستگاه شهربانی هراسی به خود راه ندهید.

موكب‏های عزادار در سراسر ایران به راه افتاد و امر قائد نهضت از سوی عزاداران حسینی امتثال شد. در نوحه‏ها، قم و فیضیه با قتلگاه كربلا همسان شد و اسرائیل و عمال آن به باد حمله گرفته شدند. ترس بر جان مزدوران مستولی گشت. بیت امام بر اساس سنت همیشگی سیاهپوش شد و هر روز در آنجا اقامه عزا می‏شد. رهبر نهضت، همچنین هر شب در تكایا و هیئت‌های محلات قم به حضور هم می‏رسانید.

با نزدیك شدن عاشورا، شور و حرارت قیام مردم بیشتر می‏شد. عاشورای تهران تبدیل به تظاهراتی دینی ـ سیاسی شد. شب همان روز دانشجویان نیز طی تظاهراتی پر شور حمایت خود را از نهضت امام اعلام كردند. تظاهرات گسترده مردمی در شهرهای دیگر نیز در جریان بود. صبح عاشورا ماموران ساواك از سوی شاه امام را تهدید كردند كه در صورت حضور و سخنرانی در فیضیه كماندوهای شاه آنجا را به آتش و خون خواهند كشید. پاسخ قاطع و توام با خونسردی امام، تن آنان را لرزاند، "ما هم به كماندوهای خود دستور می‏دهیم كه فرستادگان اعلیحضرت را تادیب كنند."

فیضیه و خیابان‌های اطراف مملو از جمعیت بود. روح خدا با اطمینان و صلابت آغاز به سخن كرد:

"...الان عصر عاشوراست.

گاهی كه وقایع روز عاشورا را از نظر می‏گذرانم، این سؤال برایم پیش می‏آید كه اگر بنی‏امیه و دستگاه یزید بن معاویه تنها با حسین سر جنگ داشتند، آن رفتار وحشیانه و خلاف انسانی چه بود كه در روز عاشورا نسبت به زن‌های بی‌پناه و اطفال بی‏گناه مرتكب شدند؟ زنان و كودكان چه تقصیری داشتند؟ طفل 6 ماهه حسین چه كرده بود؟ به نظر من آنها با اساس كار داشتند. همین سؤال اینجا مطرح می‏شود كه دستگاه جبار ایران با مراجع سر جنگ داشت، با علمای اسلام مخالف بود، به قرآن چكار داشتند...؟ به این نتیجه می‏رسیم كه اینها با اساس كار دارند، با اساس اسلام و روحانیت مخالفند... . اسرائیل نمی‏خواهد در این مملكت قرآن باشد... علمای اسلام باشند... احكام اسلام باشد... اسرائیل می‏خواهد اقتصاد شما را قبضه كند، می‏خواهد تجارت و زراعت شما را از میان ببرد، می‏خواهد ثروت‌ها را تصاحب كند... قرآن سد راه است باید برداشته شود، روحانیت سد راه است باید شكسته شود."

گزارش ماموران ساواك حاكی از حضور جمعیت 200 هزار نفری در قم بود كه برای استماع سخنرانی امام اجتماع كرده بودند.

تظاهرات مردمی در روز 14 خرداد (مطابق با 11 محرم 1342) نیز ادامه یافت. اهانت‌ها و حملات رژیم پهلوی به اساس اسلام چیزی نبود كه بتوان به سادگی از كنار آن گذشت.

گسترش مراسم عزاداری در این سال به حدی بود كه ماموران ساواك را مضطرب و متعجب كرد. بر اساس ارزیابی آنها وضع عزاداری در تهران در سال 1342 بسیار بی‏سابقه بوده و در بیشتر مجالس به دولت و هیات حاكمه حمله می‏شده است. ماموران ساواك همچنین از دسته 5 هزار نفری طیب حاج رضایی كه به نفع امام خمینی شعار می‏دادند گزارش می‏دهند. به روایت حاضران عكس‌های امام خمینی روی علامت دسته طیب نصب شده بود و او با وجود هشدارهای اسدالله عَلم كه از سوی رسول پرویزی به او ابلاغ می‏شد، از برداشتن عكس‌ها خودداری كرد. ماجرای خرید عكس و چسباندن آن روی علامت از سوی شهید حاج‌مهدی عراقی نیز تایید می‏شود.

رژیم شاه كه از پیش نیز علما و مردم را به خشونت و خونریزی تهدید كرده بود، از ترس این كه شرایط عاشورایی ایران بساط آنها را برچیند، با این تفكر كه با سركوبی گسترده می‏توان امواج خروشان نهضت را مهار كرد، دست به كار شد. نیمه شب 15 خرداد با هجوم كماندوهای رژیم به منزل امام، رهبر نهضت دستگیر و به تهران منتقل شد. همچنین در شهرستان‌ها نیز پیروان امام در سطح گسترده‏ای دستگیر شدند، با انتشار خبر دستگیری امام، صبح روز 15 خرداد قم، تهران، ورامین، شیراز، كاشان و... یكپارچه آتش شد. رژیم پهلوی كه به بیگانه اتكا داشت و بقای خود را در گرو سركوب مردم می‏دید با صحنه‏ گردانی اسدالله علم حمله گسترده‏ای را به مردم بی‌دفاع آغاز كرد.

رادیوی رژیم در اقدامی عوام‌فریبانه اقدام به پخش نوحه‏‌های مذهبی كرد و همزمان ماموران شاه عزاداران حسینی را به گلوله بستند. مقاومت جانانه مردم، رژیم را مجبور به اعلام حكومت نظامی كرد. ماموران با هدف كشتار مردم، اقدام به تیراندازی می‏كردند و زخمی‏ها نیز از سوی آنان به نقاط نامعلومی انتقال داده می‏شدند.

كشاورزان ورامینی و كارگران كرجی كه برای دفاع از رهبر مظلوم خود عازم تهران بودند، در راه از سوی ماموران دولتی به خاك و خون كشیده شدند. مقاومت مردمی همچنان ادامه داشت و دشمن نیز با سبعیت تمام به قتل و غارت مشغول بود. بر اساس گزارش‌های ماموران ساواك، نیروهای حكومت نظامی هنگام عبور از خیابان‌ها در روز شانزدهم خرداد به سوی مردم شلیك می‏كردند. مقاومت در روزهای بعد نیز ادامه داشت؛ ولی به دلیل دستگیری قائد نهضت و عدم وجود نیروی هدایت‏گر، نیروهای انقلابی نتوانستند نتیجه لازم را از قیام مردم به دست آورند. با این همه نهضت اسلامی 15 خرداد آغازی بود بر دور تازه‏ای از مبارزات ضد استبدادی ـ ضد استعماری مردم ایران با محوریت اسلام، امام و امت كه تحت تاثیر قیام خونین عاشورا شكل گرفت.

فردای كشتار مردم در 15 خرداد شیخ محمدحسن سنگلجی كه مانند برادرش، شریعت سنگلجی، بر اساس گرایش به پاره‌ای از آموزه‌های وهابیت سال‌ها در خدمت رژیم پهلوی علیه تشیع و اهل بیت(ع) قلم می‏زد و سخن می‏راند، با حضور در رادیو به تخطئه شعائر اسلامی و عزاداری سیدالشهدا پرداخت. غافل از این كه قیام عاشورا الی‏الابد موتور محرك جوامع شیعی در نهضت‌های ضد استبدادی و ضد استكباری است.

امام خمینی كه تا پایان عمر داغدار شهدای پانزدهم خرداد بود و انتظار فرج از آن داشت. عزاداری سیدالشهدا را مبنای آن قیام و مبدا نهضت اسلامی ایران و سرلوحه پیروزی اسلام و ملت خواند.

19 سال پس از قیام 15 خرداد و با پشت سر گذاشتن حوادث و وقایع بزرگی نظیر انقلاب شكوهمند اسلامی ایشان در 30 خرداد 1361 فرمود: "شما گمان نكنید كه اگر این مجالس عزا نبود و اگر این دستجات سینه ‏زنی و نوحه‏سرایی نبود، 15 خرداد پیش می‏آمد. هیچ قدرتی نمی‏توانست 15 خرداد را آن طور كند، مگر قدرت خون سیدالشهدا.

**نویسنده: موسی فقیه حقانی**